بدون عنوان

شماره پرسش: ۳۷۱۳۰

تاریخ ارسال پرسش: ۰۹:۵۱:۰۰ ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

متن پرسش

با سلام خدمت استاد اصغر طاهرزاده: در مطالعه ی آثار ایشان لازم دیدم تا برخی مطالب را که به نظرم رسید به عنوان یک مخاطب عام در میان بگذارم : ۱. با توجه به کتاب انقلاب اسلامی و جهان گمشده چنین به نظر می رسد که کلیه ی مواردی که تحت ذیل پدیده ی انقلاب اسلامی ذکر شده است را می توان تعمیم جهان شمول (یونیورسال) داد و آن را با کتاب زوربای یونانی تطبیق داد، یعنی این فضاهای گمشده در سنت ها و فرهنگ های دیگر نیز وجود دارند و مشخص نیست وجه ممیز انقلاب اسلامی با سایر تمدن ها و فرهنگ ها در این کتاب چیست؟ و در این کتاب به زبان رمزی و سمبول ها نیز اشاره کرده اید که در نهایت فرقی با صورت پرستی و بت پرستی ندارند. ۲. در کتاب گوش سپردن به ندای بی صدای انقلاب اسلامی، به یک پدیدار ناشناخته اشاره کرده اید، اما به آفات چنین رویکردهایی اشاره نشده است، آفاتی از قبیل به دام افتادن در چرخه های باطل رسانه ای و تصویری که در نهایت یا به کمدی الهی دانته و یا هنری پنجم شکسپیر ختم می شوند و حجت دانستن زبان تاویل التقاطی ای چون فیلون اسکندرانی، و از همه بدتر توجه صرف به عالم محسوسات و غافل ماندن از آنچه نامحسوس است. در نهایت این زبان اشارت را ذیل حدیث امام صادق (ع) که اشارت قرآن مخصوص خواص است نقل کرده اید، اما حداقل آنچه به عنوان چشم انداز ترسیم کرده اید می تواند با سایر مکاتب نیز تعمیم داشته باشد، همان «وجود» در آثار شکسپیر نیز وجود دارد، همان «وجود» در یک مسابقه ی ورزشی نیز می تواند وجود داشته باشد، باید به وجه ممیز این "وجود" که در اشارات قرآنی است با «وجود» در سایر پدیدارهایی که نوعی از «وجود» را شامل می شوند نیز توجه شود. در کمدی الهی دانته نیز نوعی از «وجود» هست که امروزه غالبا در صنعت سینما و تبلیغات و... به شدت مورد استفاده قرار می گیرد.و یا اینکه این «وجود» که با اشاره می توان متوجه آن بود حاصل نفسانیت باشد نه اسماءالله.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً در جریان هستید که مواجهه فکرها و فرهنگ‌ها در جهان جدید جایگاهی بس اساسی دارد. مرحوم اقای شایگان می‌گوید همراه با آقای سید حسین نصر مدت‌ها در خدمت علامه طباطبایی کتاب «اوپانیشادها» را ترجمه می‌کردیم و ایشان همواره می‌فرمودند ما هم که همین‌ها را می‌گوییم. یا آقای دکتر دینانی داستان ملاقات‌های طولانی علامه با مرحوم کربن را به میان می‌آورند. عمده آن است که در این نوع مواجهه‌ها از یک طرف متوجه تراث عمیق و توحیدیِ

خود باشیم و از طرف دیگر متوجه باشیم چه نسبتی می‌توانیم با جهان جدید پیدا کنیم که در عین حضور در جهان، عالی‌ترین هویت توحیدی را به میان آوریم. تصور بنده آن است که در اینجا نقش جناب صدرالمتألّهین بسیار کارساز و اساسی است تا آن‌جایی که رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: به گمان ما فلسفه اسلامی در اسلوب و محتوای صدرایی جای خالی خویش را در اندیشه انسان این روزگار می‌جوید و سرانجام آن را خواهد یافت. موفق باشید